ادامه از صفحه ۶

مردم چگونه رأی می‌دهند

سرمایه‌داران رده‌بالا، بخشی از این جریان هستند و بخش بزرگ دیگری از این جریان را لمپن‌ها تشکیل می‌دهند که هیچ پیوندی با جریان‌های سیاسی کشور ندارند. لمپن‌ها بر خلاف جریان‌های سیاسی کشور اعم از چپ و راست، دغدغه‌ای درباره نظم و ساماندهی حیات اجتماعی ایران ندارند.

نتایج حاصل از وضعیت آرا در انتخابات مختلف

نتیجه‌گیری ۱ـ مشارکت زیر ۵۰ درصد نخواهیم داشت

با توجه به جدول پیوست، دسته‌بندی و وزن جریان‌های مختلف انتخاباتی مشخص می‌شود که هیچ انتخاباتی با مشارکت پایین‌تر از ۵۰ درصد برگزار نخواهد شد. بنابراین امیدبستن به تحریم برای کسب موفقیت، ثمری برای تحریم‌کنندگان نخواهد داشت.

البته ممکن است فرد یا جریانی به منظور خاصی یا برای ثبت در تاریخ، مشارکتِ در انتخابات را جایز نداند. اما جریان‌های سیاسی باید بدانند که در شرایط فعلی امیدبستن به ابزار تحریم به منظور تأثیرگذاری بر روند اجرائی یا ایجاد تأثیر چشمگیر در نتایج انتخابات، امری واقعی نخواهد بود و با این امید نباید وارد وادی تحریم انتخابات شد.

نتیجه‌گیری ۲- جریان «هرگز رأی نمی‌دهند»، وفاداری ندارند

کسانی که هرگز رأی نمی‌دهند، متحد هیچ‌کسی به‌غیر از خودشان نیستند. جریان‌های سیاسی نباید به کسانی که هرگز رأی نمی‌دهند، به عنوان یک متحد نگاه کنند. این جریانِ ۱۵ تا ۲۰درصدی، متحد استراتژیک هیچ‌کس نیست و اهداف و ابزارهای خاص خود را دارد. بعضا دیده می‌شود که جریان‌های سیاسی، از اکثریت خاموش نام می‌برند. اکثریتی که بخش بزرگی از آن را همین افرادی تشکیل می‌دهند که حتی در سرنوشت‌سازترین و پرشورترین انتخابات تاریخ معاصر ایران نیز شرکت نکردند.

با دقت در رفتار این جریان مشخص می‌شود که نگاه به خارج و تأمین منافع از آن طریق، یک دیدگاه قوی در میان بخشی از کسانی است که هرگز رأی نمی‌دهند. قشر لمپن نیز بخش مهم دیگری از این جریان را تشکیل می‌دهد. لمپن‌ها اگر قدرت بگیرند، تأثیرگذاری عمیقی بر ساختارهای انتخاباتی را از هر راه ممکن دنبال خواهند کرد. راه رسیدن به اهداف برای لمپن‌ها محدود به هیچ حدی نیست. این جریان در ابتدا، سازمان یا تشکیلات خاصی ندارد، اما در صورت عدم مراقبت و در سایه غفلت نیروهای سیاسی اعم از چپ و راست، گسترش فساد و ساختاری‌کردن آن را به‌طور جدی پیگیری می‌کنند. جریان‌های چپ و راست، به دلیل شدت منازعات سیاسی فی‌مابینِ خود، درباره لمپن‌ها دچار غفلت عمیقی شده‌اند. رشوه، تطمیع و پاپوش دوختن، ابزارهای ساده و پیش‌پاافتاده این قشر است و به راحتی استفاده از تهدید، ضرب و شتم و حتی ازمیان برداشتن افراد ناهماهنگ را در برنامه کاری خود منظور می‌کنند.

نتیجه‌گیری ۳ـ ماهیت آرای آقای خاتمی در سال ۷۶

آقای خاتمی در انتخابات ۷۶، توانست آرای ۵۵ درصد از واجدین را جذب کند. یعنی اضافه بر ۱۵ درصد آرای جریان چپ، ۴۰ درصد آرای دیگر را هم جذب کرد. با توجه به حساسیت ایجادشده، جریان حسابگر، تمامی ۲۰ درصد آرای خود را به حساب ایشان به صندوق ریخت. همچنین آقای خاتمی موفق شد جو سنگینی را که مخالفان علیه وی ایجاد کرده بودند، شکسته و ۲۰ درصد از ۳۵ درصد آرای جریان سنتی را هم جذب کند. یعنی ۲۰ درصد از جریانِ «همیشه رأی می‌دهند»، به نفع خاتمی رأی دادند. ویژگی‌های شخصی آقای خاتمی رمز موفقیت ایشان در جذب آرای این بخش از رأی‌دهندگان بود. موفقیت آقای خاتمی به این حد محدود نشد و توانست مانع از ریخته‌شدن بخش دیگری از آرای جریان سنتی به صندوق آقای ناطق شود. ۱۰ درصد دیگر از آرای جریان سنتی نیز ترجیح دادند از همراهی با جناح محافظه‌کار خودداری کرده و به جریان میانهِ ری‌شهری و زواره‌ای رأی دهند.

نتیجه‌گیری ۴ـ ماهیت آرای آقای ناطق نوری در سال ۷۶

آقای ناطق در سال ۷۶، توانست آرای ۲۰ درصد از واجدین را جذب کند. وضعیت آرا در این انتخابات نشان می‌دهد که آقای ناطق اضافه بر ۱۵ درصد آرای جریان اصولگرا، فقط پنج درصد از آرای جریانِ سنتیِ «همیشه رأی می‌دهند» را جذب کرد. این انتخاباتَ شکست مهمی برای جریان راست بود، نه به این لحاظ که در انتخابات به موفقیت نرسیدند، بلکه به این لحاظ که بخش بزرگی از آرای جریان سنتی به نفع آقای خاتمی به صندوق ریخته شد.

نتیجه‌گیری ۵ـ ماهیت آرای آقای روحانی در سال ۹۲

روحانی در سال ۹۲، توانست آرای ۳۷ درصد از واجدین را جذب کند. برای تفکیک این آرا، برآورد می‌شود نیمی از آرای جریان «چپ» (هفت درصد)، به اضافه ۱۵ درصد از آرای جریان «حسابگر»، همراه با حدود ۱۵ درصد از آرای جریانِ «همیشه رأی می‌دهند»، آرای روحانی را تشکیل داده باشند. جدول پیوست، وضعیت جریان‌های شرکت‌کننده در انتخابات برگزارشده بعد از سال ۷۰ را نشان می‌دهد.

پی‌نوشت:

(۱)، درباره روش محاسبه، مراجعه کنید به کتابِ «رفتار انتخاباتی مردم ایران»، نوشته محسن شریف‌زاده و روزنامه «شرق» مورخ ۶ اسفند۹۴، صفحه۶.

(۲)، (۳)، (۴)، (۵)ـ درباره روش محاسبه، مراجعه کنید به کتابِ «رفتار انتخاباتی مردم ایران»، نوشته محسن شریف‌زاده.

حلبچه، زخمی که کهنه نمی‌شود

روزی که از آسمان مرگ بارید

مازیار خسروی

عکس: Gettyimages

حالا سال‌ها از زمانی می‌گذرد که «علی حسن المجید التکریتی»، پسرعموی صدام حسین، به چوبه دار سپرده شد؛ کسی که کردها او را به نام «علی شیمیایی» می‌شناسند؛ اما حلبچه زخمی است که هرگز کهنه نمی‌شود؛ زخمی که در زمان ناسورشدن، جهان چشمانش را بر روی آن بست و رنج قربانیانش را با پرده‌پوشی دوچندان کرد. در بیست‌ونهمین سالگرد این فاجعه انسانی، با احسان هوشمند، به گفت‌وگو نشستیم. او که خود یک کُرد است، بخش بزرگی از زندگی‌اش را صرف پژوهش در حوزه اقوام ایرانی کرده و در این زمینه تألیفاتی چند نیز انجام داده است. هوشمند از نظر کمّیت و کیفیت آثار چاپی در حوزه مسائل قومی و به‌خصوص کُردشناسی در ایران جایگاه ویژه‌ای را در سال‌های اخیر به خود اختصاص داده است.

در سه دهه گذشته بسیار درباره فاجعه حلبچه گفته و نوشته شده است. در ۲۵ اسفند ۱۳۶۶ دقیقا چه اتفاقی افتاد؟

بمباران حلبچه باید با یک سابقه دیده شود به این معنا که این نخستین‌بار نبود که رژیم صدام از سلاح شیمیایی استفاده می‌کرد؛ پیش از آن هم در عراق و هم در خطوط مقدم جنگ علیه ما، صدام حسین و ارتش عراق از سلاح شیمیایی استفاده کرده بودند. حتی پیش از آن به مناطق مسکونی ما حمله کرده بودند. سردشت، قبل از آن هم در مریوان و در جاهای دیگر از جمله روستای زرده کرمانشاه از این سلاح استفاده شده بود. به ابعاد دیگر داستان حلبچه هم می‌توان توجه کرد، یک بُعد آن برمی‌گردد به تجدید روابط کردهای عراق با ایران بعد از پیروزی انقلاب. قبل از پیروزی انقلاب لااقل از ۱۹۵۸ یعنی یک سال بعد از بازگشت ملامصطفی بارزانی از روسیه به عراق. در دوره «عبدالکریم قاسم» به‌تدریج روابط تازه‌ای بین ایران و گروه‌های کرد عراق برقرار شد؛ البته منظور من حزب دموکرات است، اگرچه ملامصطفی نبود اما حزب دموکرات او را به رهبری خودش برگزیده بود. او از روشنفکران چپ عراقی بود که حزب دموکرات را تأسیس کرد، ملامصطفی به‌عنوان دبیر این حزب برگزیده می‌شود. وقتی که بارزانی برمی‌گردد و رابطه با ایران گرم می‌شود و در مقابل، تنش‌ها با دولت عراق بالا می‌گیرد. بعد از قاسم تا دوره بعثی‌ها یعنی قرارداد ۱۹۷۵ (الجزایر) به‌هرحال توان نظامی و لجستیک حزب دموکرات به‌تدریج تحلیل رفته و ارتش عراق دست بالا را گرفته بود. ارتش ایران هم با لباس مبدل کردها در داخل خاک عراق به کمک کردهای عراق رفت.

این قبل از قرارداد الجزایر بود؟

بله، بعد از قرارداد این بحران در داخل عراق سمت‌وسویی دیگر پیدا کرد، بین گروه‌های طرفدار بارزانی و شخصیت‌هایی که به اتحاد میهنی معروف شدند؛ یعنی چپ‌های مبارز عراقی که بین اینها اختلافاتی ایجاد شد و عملا فعالیت سیاسی در عراق به حالت تعلیق درآمد. چندصد هزار کرد عراقی در این دوران آواره شدند و به‌عنوان میهمان در کشور ما و در شهرهای مختلف ساکن شدند؛ یعنی در جامعه ایران هیچ‌گونه مقاومتی در برابر پذیرش این گروه‌ها صورت نگرفت. برخی از آنها هم جذب نظام اداری کشور شدند. بخش عمده‌ای از اینها در محیط زیست استخدام شدند. حقوق شهروندی یا تابعیتی برای آنها تعریف شده و هنوز هم منشأ خدمات برای آنها- هر چند ساکن کردستان عراق هستند- باقی مانده است. انقلاب که رخ داد برخی از رهبران کشور نگران بودند حوزه کردی به‌واسطه مسلح‌بودن این طیف کرد عراق منشأ ناامنی یا بحران شود. چند نوبت تیمی با سرپرستی مهندس بازرگان با بارزانی ملاقات می‌کنند که نکند از خلأ قدرت ناشی از فروپاشی رژیم پهلوی سوءاستفاده‌ای شود. آنها وعده دادند که با انقلاب همراهی خواهند کرد. از فردای پیروزی انقلاب سلسله تحرکاتی در کردستان آغاز شد، این تحرکات ابتدا در مهاباد رخ داد که در ۲۳ بهمن سال ۵۷ شهرداری مهاباد مورد هجوم قرار گرفت. دولت موقت نگران شد و به‌سرعت هیئتی را به سرپرستی داریوش فروهر به آنجا اعزام کرد و در تاریخ ۳۰ بهمن سال ۵۷ این تیم وارد مهاباد شدند؛ یعنی یک هفته بعد از انقلاب. به‌ویژه که رهبران حزب دموکرات ایران از عراق برگشته بودند. عبدالرحمان قاسم‌لو، رئیس حزب دموکرات، در عراق زندگی می‌کرد و کارمند دولت عراق بود. حزب دموکرات در سال ۱۳۳۷ لو رفت و سران آن دستگیر شدند. قاسم‌لو سه روز بعد از دستگیری آزاد شد و از آن به بعد متهم شد به همراهی با ساواک و از حزب اخراج شد. قاسم‌لو از بغداد به‌عنوان کارمند دولت عراق به ایران بازگشت و حزب کم‌کم فعال شد. ۳۰ بهمن که فروهر وارد مهاباد می‌شود و پیام دولت را منتقل کردند. حزب برای اینکه زهرچشمی به دولت موقت نشان دهد، به پادگان مهاباد حمله کرد؛ رئیس پادگان مهاباد آن دوره آقای پزشک‌پور بود، در این حمله پادگان غارت شد. چند ماه بعد هیئت جدیدی به سرپرستی آقای طالقانی و همراه شهید بهشتی و نیر آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی وارد مهاباد شدند. آنها از دولت موقت خواسته‌هایی داشتند که یکی از آنها اخراج کردهای عراق از ایران به‌ویژه بارزانی‌ها بود؛ یعنی طرف گفت‌وگو که همان احزاب سیاسی کُرد با دولت بودند، یکی از خواسته‌هایشان همین اخراج کردهای عراق از ایران و تحویل آنها به دولت صدام حسین بود! این برای دولت موقت هشداری بود که وابستگی آنها را به دولت عراق نشان می‌داد. تیمسار ظهیرنژاد که آن زمان فرمانده لشکر ۶۴ ارومیه بود، این هشدار را خیلی جدی گرفت. بعد از این نگاه جدیدی شکل گرفت. جالب اینکه در همان دوره وقتی که آقای ابراهیم یزدی برای شرکت در اجلاس جنبش غیرمتعهدها به کوبا رفته بود و با صدام حسین ملاقات داشت، صدام هم همین درخواست را مطرح کرد؛ یعنی درخواست او از ایران تحویل کردهای عراقی بود. مجموعه این رخدادها موجب هوشیاری دولت موقت شد و متوجه شدند که این یک ظرفیت برای مرزهای ایران است؛ یعنی وقتی که حزب دموکرات ایران می‌خواهد اینها اخراج شوند، نشانه وابستگی آنها به دولت عراق است و از طرف دیگر نشان داد کردهای عراقی ظرفیت خیلی مناسبی برای مقابله با تهدیدهای عراق علیه ایران به شمار می‌روند. دولت‌مردان ایران فهمیدند برگشتن اینها به مرزها نه‌تنها به ضرر ایران نیست، بلکه توان دفاعی ما را نیز بالا می‌برد. اینها در واقع عملا بازوی دولت جمهوری اسلامی شدند، چراکه ارتش از هم گسیخته شده و نیرویی نداشت و می‌شد از ظرفیت اینها برای دفاع از ایران استفاده کرد. از همین‌جا سلسله تنش‌های آنها با گروه‌های کرد ایرانی شروع می‌شود. آقای مصطفی بارزانی چند روز بعد از انقلاب در سال ۱۹۷۹ فوت کردند. زمانی که می‌خواستند جنازه او را از آمریکا به ایران منتقل کنند، این نگرانی وجود داشت که حزب دموکرات ایران همین مسئله را دستاویز کرده و به جنازه بی‌احترامی صورت گیرد. دولت موقت هماهنگی کرد و به‌سرعت جنازه از تهران، به تبریز و از آنجا به ارومیه و در نهایت به اشنویه منتقل شد و در آنجا هم دو هلیکوپتر ارتش در اختیارشان قرار گرفت و جنازه به اشنویه منتقل شد. جنازه ملامصطفی با احترام به خاک سپرده شد. البته چند سال بعد یکی از جریان‌های کُردی در یک اقدام ناجوانمردانه جنازه ملامصطفی را به قصد بی‌احترامی از قبر بیرون کشیدند. در نهایت چند سال بعد جنازه به خاک بارزان منتقل شد. جالب اینکه در هیچ‌کدام از مراسم‌های ختم او حزب دموکرات کردستان ایران شرکت نکرد؛ ولی استقبال عمومی خیلی خوبی در تشییع بارزانی شد.

ارتباطات ما با کردهای عراق از همان اوایل جنگ آغاز شد. تا میانه جنگ آنها در کردستان مستقر بودند. در میانه جنگ، چون در جبهه‌های جنوب تقریبا توقفی حاصل شد، کم‌کم بخشی از عملیات نظامی به بخش شمالی و مرکزی جبهه منتقل شد که شاید گشایشی در روند جنگ ایجاد شود. این اتفاق عمدتا بعد از عملیات والفجر ۸ و در واقع از عملیات والفجر ۹ رخ داد. عملیات والفجر ۱۰ برنامه بسیار بزرگ تدارک دیده‌شده‌ای بود که بخش عمده‌ای از کردستان عراق می‌توانست به تصرف نیروهای ایرانی دربیاید.

این عملیات با همکاری نیروهای کُرد عراقی انجام شد؟

از میانه جنگ رابطه ما با گروه‌های کرد عراق شروع شد. سلسله عملیات‌های نصر و فتح با کمک این گروه‌ها انجام شد. یک قرارگاه در سپاه شکل گرفت به نام «قرارگاه رمضان» که وظیفه آن همین عملیات برون‌مرزی بود. عملیات والفجر ۱۰ وسیع‌تر بود؛ یعنی یک عملیات تمام‌عیار نظامی بود. نیروهای ایرانی وارد شهرهای عراق نشدند؛ یعنی هیچ نیروی ایرانی‌ای وارد حلبچه نشد. نیروهای ایرانی عملیات را به صورت موفقیت‌آمیز انجام دادند؛ ولی وارد شهر حلبچه نشدند. احتمال می‌رفت که ایران تا سلیمانیه پیش برود؛ اما این حمله شیمیایی و سیاست سرزمین سوخته صدام مانع آن شد. البته قبل از حلبچه سردشت بمباران شیمیایی شده بود.

چرا حلبچه؟ آیا حلبچه موقعیت استراتژیکی داشت که هدف حمله قرار گرفت؟

حلبچه شهر کوچکی است که کمتر از ۱۵ هزار نفر جمعیت دارد و حدود ۱۵ کیلومتر با مرز ما فاصله دارد. این شهر در کنار سد دربندی‌خان است که در دهه ۶۰ میلادی ساخته شده است و روی آب‌هایی که از سمت ایران به عراق جاری است، قرار دارد. دشت دربندی‌خان یکی از حاصلخیزترین نقاط عراق است. حلبچه هم آن زمان و هم الان شهری به‌شدت مذهبی است.

این شهر تحت تسلط حکومت عراق اداره می‌شود؟

بله، دولت عراق کاملا در آنجا مستقر است.

عراق پادگان مهمی در آن داشت؟

نه.

حلبچه پیش‌ازآن و در زمان جنگ آسیب ندیده بود؟

نه، سیاست ما این بود که مناطق مسکونی را مورد حمله قرار ندهیم؛ درحالی‌که شهرهای مرزی ما مرتب بمباران می‌شدند. دولت ایران و مجموعه مدیریت جنگ هیچ‌گاه تصمیم نداشتند شهری از عراق را بمباران کنند. مگر اینکه اهداف نظامی بوده باشد؛ برای مثال‌زدن بانک رافدین در بغداد. در کل باید گفت که در آن زمان حلبچه شهری بود که از جنگ آسیبی ندیده بود، ضمن اینکه گروه‌های کرد عراقی به آنجا رفت‌وآمد داشتند. ما در اوج دوره جنگ روابط تجاری با این شهر داشتیم - چیزی مانند کولبران کنونی - اینها حتی حین جنگ رفت‌وآمد داشتند.

اهمیت تصرف حلبچه چه بود؟

اگر ایران موفق می‌شد تا سلیمانیه پیش برود موازنه نیروهای عراقی به‌هم می‌خورد و کلا دسترسی دولت عراق به مناطق کردنشین قطع می‌شد؛ به‌ویژه که کرکوک در این منطقه قرار داشت و تسلط ایران بر آن برای عراق بسیار خطرناک بود. قطعا بخشی از شکل‌گیری اقلیم کردستان عراق، وامدار برگشتن گروه‌های کرد عراقی به مرز و تأثیرات همین عملیات‌هاست که در آنها توانستند توان نظامی خود را افزایش دهند. نباید از یاد برد که این نیروها بعد از پایان جنگ خانه‌نشین نشدند و ایران رابطه خود را با گروه‌های کرد عراقی حفظ کرد و آنها را در داخل خاک ایران جمع کرد و جبهه کردستانی را در دوره بعد از قطع‌نامه راه انداختند. کمتر از دو سال بعد حمله صدام به کویت اتفاق افتاد و پس از آن بود که همین نیروها، اقلیم کردستان عراق را از تسلط حکومت صدام خارج کردند. درست است که رژیم عراق با بمباران شیمیایی حلبچه فاجعه آفرید؛ ولی شاید راهبردی‌ترین اتفاقی را که برای شکل‌گیری اقلیم کردستان عراق رخ داده، در همین دوره باید جست‌وجو و بررسی کرد.

اتحادیه میهنی چه روزی وارد حلبچه شد؟

۲۴ اسفند وارد شهر شدند و ۲۵ اسفند بمباران شیمیایی شروع شد.

یعنی حکومت عراق، بلافاصله پس از سقوط حلبچه اقدام به بمباران شیمیایی کرد؟

بله. من خودم با بسیاری از شاهدان این بمباران و کسانی که ساکن آنجا بودند، صحبت کردم. در چنین شرایطی اساسا به قدری صدای بمباران وحشتناک است که قدرت فکرکردن را از فرد می‌گیرد. در لحظه بحران فرد به‌سختی می‌تواند خونسردی خودش را حفظ کند. مردم اصلا مطلع نبودند که برای حفاظت خود در برابر بمباران شیمیایی چه باید بکنند. اول فکر کردند بمباران عادی است، بعد بو را حس کردند؛ ولی نمی‌دانستند چه بمبی است. برای آنها این‌گونه صداها عادی بود؛ چراکه فقط ۱۵ کیلومتر با مرز و میدان نبرد فاصله داشتند.

حلبچه در یک مرحله بمباران شد؟

نه. بمباران چندین مرحله اتفاق افتاد. وقتی که بمباران صورت گرفت، خیلی از مردم در محل کار خود بودند و همه در خانه نبودند. همین یک بُعد از این تراژدی را شکل می‌دهد؛ مثلا برخی تعدادی از بچه‌ها را همراه خود به خارج از شهر می‌برند که در طول مسیر تعدادی از آنها گم می‌شوند.

ادامه در صفحه ۱۹

الو شرق ۸۸۶۴۰۲۶۰

sharghline@sharghdaily.ir

پیامک: ۳۰۰۰۴۶۹۹

● حذف یا تعدیل مبلغ یارانه‌ها از سبد اقتصادی خانواده ضربه سختی خواهد بود بر وجهه و محبوبیت آقای رئیس‌جمهور محترم در آستانه انتخابات؛ بنابراین پیشنهاد می‌کنم به جای آن، یارانه نه از طریق خانوار، بلکه مستقیم به افراد نوجوان و محصل که واقعا احتیاج مبرمی به پول توجیبی و کمک‌هزینه تحصیلی دارند پرداخت شود. مجددا تأکید می‌کنم به فرد نه خانواده، از طریق کارت یا دفترچه حساب بانکی و بدون واسطه تا افرادی که مورد حمایت دولت محترم تدبیر و امید هستند، بدانند و باور داشته باشند کمک‌های مالی ای که تاکنون به افراد نیازمند از طرق مختلف پرداخت می‌شد، کماکان پابرجاست.

● چای ۲۵عددی کیسه‌ای را چهارهزارو ۲۰۰ تومان خریداری می‌کردیم، الان به قیمت چهارهزارو ۸۵۰تومان خریداری می‌کنیم. ما حقوق‌بگیران کمرمان خم شده از این گرانی. من حقوق‌بگیر تأمین اجتماعی هستم، با ماهانه ۹۲۰ هزار تومان حقوق. خواهش می‌کنم این موضوع را در روزنامه چاپ کنید.

● بیمه تکمیلی نیروهای مسلح برای تأیید مدارک، خواستار حضور بیمار و رؤیت وی است؛ این در حالی است که بیمارانی که با امراض صعب‌العلاج دست به گریبان‌اند طاقت رفت‌وآمد و معطلی را ندارند.

● ما ساکنان خیابان کرمانی ورامین، کوچه میلاد سوم از خرابی آسفالت کوچه به ستوه آمده‌ایم، تقریبا آسفالت از بین رفته و به خاک رسیده است، هر چندوقت یک‌بار هم بر اثر نشت لوله‌کشی آب، جایی از کوچه کنده و به امان خدا رها می‌شود. بارها بابت آسفالت به شهرداری مراجعه و نامه‌نگاری هم شده است، ولی متأسفانه می‌گویند روکش آسفالت نمی‌کنیم، شاید فقط لکه‌گیری کنیم. لطفا به دادمان برسید

یک مخاطب از ورامین

● در تاریخ ۱۸ دی به دلیل ورود به محدوده زوج و فرد دوبار جریمه شدم؛ درصورتی‌که پلاک ماشین من زوج بود، بعد از اینکه پیگیری کردم متوجه شدم ۱۸ دی ماه جلسه کمیته اضطرار بوده و از روز ۱۹ دی ماه محدوده زوج و فرد گسترش پیدا کرده الان هم هرچقدر پیگیری می‌کنم می‌گویند نمی‌شود کاری کرد، این مشکل من در آن روز نبود و ممکن است افراد دیگری هم به دلیل اینکه خبر نداشتند در آن روز جریمه شده باشند. لطفا این موضوع را در روزنامه درج کنید، شاید مشکل ما حل شود.

وزارت راه وشهرسازی
شرکت مادرتخصصی ساخت و توسعه
زیر بناهای حمل و نقل کشور

آگهی تجدید مناقصه عمومی دو مرحله ای

شماره ۱۵۸ – ۹۵

با عنایت به مفاد مواد (۴)، (۱۳) و(۱۸) بخشنامه شماره ۱۳۰۸۹۰-۸۳/۱۱/۱۷ قانون برگزاری مناقصات موضوع برگزاری مناقصات عمومی دو مرحله ای، شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور در نظر دارد پروژه با مشخصات اصلی ذیل را بصورت عمومی دو مرحله ای به مناقصه بگذارد :

۱ – عنوان پروژه : عملیات تکمیلی قطعه یک محور مهنه – گناباد

۲ – مدت اجرای کار: ۲۴ماه

۳ – برآورد کل کار : بر اساس فهرست بهای پایه رشته راه، راه آهن و باند فرودگاه سال ۱۳۹۵ به مبلغ ۴۲۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال با شاخص مبنای پیمان سه ماهه چهارم سال ۱۳۹۵می باشد.

۴ – شرایط مناقصه : به این پیمان پیش پرداخت تعلق می گیرد .

۵ – محل انجام عملیات و موقعیت جغرافیائی : استان خراسان رضوی

۶ – مبلغ تضمین شرکت در مناقصه ۱۰،۰۰۰،۰۰۰،۰۰۰ ریال می باشد.

۷ – نوع عملیات عبارت است از : شامل باقیمانده احداث باند دوم قطعه یک محورمهنه – گناباد ، روکش آسفالت توپکا در طول قطعه مذکور و روکش آسفالت توپکا در طول ۱۲ کیلومتر در محور تربت حیدریه – مهنه

۸ – از شرکتهای پیمانکاری داوطلب مناقصه که حائز شرائط آئین نامه طبقه بندی و تشخیص صلاحیت پیمانکاران در رشته راه و ترابری که دارای پایه متناسب با مبلغ برآورد مذکور هستند، تقاضا می شود برای مشارکت در مناقصه فوق و کسب اطلاعات لازم ودریافت اسناد مربوط به مشخصات پروژه با دردست داشتن معرفی نامه حداکثر تا روزچهارشنبه مورخ۱۳۹۶/۰۱/۲۰ به مهندسین مشاور ره پی طرح واقع در : تهران- خیابان ولیعصر (عج) - بالاتر از سه راهی شهید بهشتی - شماره ۲۲۱۲- طبقه ۶- واحد ۱۰ تلفن : ۱۸-۸۸۷۲۸۹۱۷ مراجعه نمایند.

۹ – محل تحویل اسناد و پیشنهاد قیمت : دفتر امور پیمانها و رسیدگی فنی واقع در : تهران – خیابان وحید دستگردی (ظفر) – خیابان فرید افشار – نبش بلوار آرش – پلاک ۳ – شرکت ساخت و توسعه زیر بناهای حمل و نقل کشور – طبقه دوم جنوبی میباشد.

در ضمن آخرین مهلت تکمیل و ارائه اسناد و مدارک شرکت در مناقصه ساعت ۹ صبح روزیکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ و زمان برگزاری جلسه مرحله اول مناقصه ساعت ۱۲ روز یکشنبه مورخ ۱۳۹۶/۰۲/۰۳ می باشد. پیمانکاران متقاضی باید ضمانت نامه شرکت در مناقصه را در پاکت (الف) اساسنامه و فرم تکمیل شده خوداظهاری و آخرین تغییرات شرکت مندرج در روزنامه رسمی کشور را به همراه سایر اسناد و مدارک و رزومه شرکت را در پاکت (ب) و همچنین برگ پیشنهاد قیمت و فرمهای آنالیز مربوطه بهمراه فرمهای الف، ب، پ و تعهد بیمه نامه را در پاکت (ج) قرار دهند. ارسال اسناد و مدارک تکمیل شده هیچ گونه تعهدی در زمینه انعقاد قرارداد با متقاضیان برای شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور ایجاد نمی کند. فرم آگهی الکترونیکی مناقصه از طریق صفحه الکترونیکی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات به نشانی http:\\iets.mporg.ir قابل دسترسی است.

وزارت راه و شهرسازی
شرکت ساخت و توسعه زیربناهای حمل و نقل کشور
اداره کل امور پیمان ها و رسیدگی فنی

م الف ۳۵۳۰